

کتابهای تازه ایرانشناسی (۱)

تورج دریایی

کتابهای تازه ایرانشناسی (۱) - تورج دریایی

۸۰۷

با تورج دریایی در لوس آنجلس صحبت از کتابهای تازه‌ای بود که درباره ایران باستان در کشورهای اروپایی انتشار می‌یابد و ما به ندرت از آنها آگاه می‌شویم. گفت آماده‌ام آنها را معرفی کنم ولی کجا چاپ بشود. گفتیم بخارا جای مناسبی است و من می‌توانم از مدیر آن خواهش کنم صفحه‌هایی را بدین زمینه از مباحث ایرانشناسی اختصاص بدهد. من دادم که ده‌باشی این کار را خواهد کرد زیرا کم‌کم خوبی است به دامنه‌وری آنچه امروزه بدان اطلاع‌رسانی گفته می‌شود.

اکنون نخستین مقاله را که فرستاده‌است برای چاپ به بخارا می‌فرستیم. ایرج دریایی اکنون در دانشگاه California State University, Fullerton پایگاه رسمی همیشگی یافته است و موجب افتخار ماست که برای رشته فرهنگ پیش از اسلام یک ایرانی به این سمت انتخاب شده است. از در بخش تاریخ است و تاریخ ملل قدیم موضوع درسهای او است.

ایرج افشار

زمیناد یشت

اوستا مجموعه سرودهای مقدسی است که گروهی از مردمان ساکن شرق فلات ایران قرن‌ها آن را سینه به سینه انتقال داده و نگاه داشته‌اند. این سرودها به زبان اوستایی سروده شده و در

حدود قرن ششم میلادی به کتابت در آمده است. اکنون ما فقط قسمتهایی از آن را در دست داریم که کتاب مقدس زرتشتیان را تشکیل می دهد. در میان قسمتهای بازمانده اوستا، یشتها دعاهایی است منظوم که در ستایش ایزدان سروده شده. اگر به یشتها به عنوان قسمتی از ادبیات ایرانیان نگاه کنیم می توان گفت بزرگترین منبع باورها، تاریخ و داستانهای ملت ما را تشکیل می دهند که همانندیهای متعددی با ادبیات مذهبی دیگر مردمان هند و اروپایی دارد. در این میان زمیاد یشت (یشت ۱۹) که گاهی کیان یسن نیز نامیده می شود مکان خاصی را اختیار کرده چون حاوی اولین مجموعه کلی آنچه امروزه مردم ایران آن را تاریخ اساطیری یا روایت ملی ایران می باشد می شمارند. می توان گفت این متن منظوم اولین سند تقریباً کامل است و شاهنامه فردوسی آخرین منظومه حماسی ملی ایران که همانندی زیادی با آن دارد. با اینکه بیش از ۱۵۰۰ سال میان این دو متن فاصله زمانی می باشد اما هر دو حکایت کننده اهمیت این دو منظومه برای شناخت هویت ملی ایرانی است.

اهمیت زمیاد یشت چنان است که بیش از هر یشت دیگر از اوستا به زبانهای خارجی ترجمه شده و تقریباً مطالعات کاملی درباره آن انجام گرفته. نام این یشت از دو جزء zam به معنی «زمین» و کلمه Yād که یا به معنی «ایزد» مشتق از Yazata یا به معنی «خوب بوجود آمده» می باشد. پس نام این یشت به معنی بنیادین «ایزد زمین» یا ستایش «زمین خوب بوجود آمده» می باشد.

اولین کسی که پیشگام مطالعات اوستایی شد انکتیل دو پرون Anquetil du Perron در قرن هجدهم بود که با سختی زیاد خود را به هند رساند و در نزد موبدان زرتشتی اوستا آموخت و نسخه های دستخطی را به فرانسه آورد و آن را به جهانیان شناساند.^۱ اما کسی که لقب پدر اوستاشناسی را گرفت فرانسوی دیگری به نام بورنوف Burnouf بود که در اوائل قرن نوزدهم می زیست. با طبع و ویراستاری نسخه های خطی اوستا اول توسط وسترگارد Westergard و بعد گلدنر Geldner در قرن نوزدهم ترجمه های بسیار بهتر و صحیحتری از اوستا و به خصوص یشتها انجام شد. بهترین ترجمه از تمام اوستا تا اکنون در اواخر همان قرن توسط دارمستتر Darmesteter انجام گرفته است.^۲ پس از آن در اواسط قرن بیستم ولف Wolff که به شاهنامه

۱- محمدعلی جمالزاده، «شناساننده زردشت و اوستا»، نامه مینوی، انتشارات سنائی، زیر نظر ایرج افشار و حبیب یغمائی، صص ۱۲۲-۱۰۴.

۲- فروری «اوستا» در مسائل برلینیه، جلد اول، ۱۹۱۵، صص ۶۲۴-۶۰۰ (خطی) و چاپ شده در یادداشتهای فروری، جلد ۱۹، به کوشش ایرج افشار، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۷، صص ۲۶۷-۲۵۴ و

آشنایی کامل داشت دست به بهترین ترجمه یشتها زد بلکه هنوز آخرین ترجمه از تمام یشتها می باشد.

در ایران و به زبان فارسی پورداد اولین کسی بود که توجهی از یشتها ارائه داد. در سال ۱۳۰۹ قزوینی در نامه‌ای به پورداد درباره این ترجمه چنین نوشته بود: «در خصوص ترجمه یشتها عقیده این ضعیف را خواسته بودید، بلی این کتاب یکی دو ماه قبل بوی بنده رسید و بنده با کمال لذت یک دور آن را مطالعه کردم و خواستم همان وقت مکتوبی خدمت سرکار در این خصوص عرض کنم و سرکار را به این خدمت بسیار مهم به ادبیات فارسی یعنی ترجمه اوستا به فارسی سلیس معمولی عوام فهم خواص پسند که شاید این اولین مرتبه باشد بعد از اسلام که چنین کاری انجام داده شده است - تهنیت بگویم.^۱ پس از پورداد دانشجوی او جلیل دوستخواه ترجمه‌ای جدیدتر از کار پورداد انجام داد که کار بهتری است اما تقریباً براساس همان کار پورداد می باشد.^۲ پس از این ترجمه با اینکه بسیاری از مشکلات و ابهامات یشتها حل شده هنوز ترجمه‌ای بهتر از این سرودها به زبان فارسی نداریم.

در دهه اخیر سه ترجمه خوب ولی متفاوت از زمیاد یشت انجام شده و این کار به خودی خود اهمیت این یشت را بیان می کند که درباره آنها گفتاری خواهیم داشت. اما قبل از آن خوب است مروری بر ساختار و مطالبی که در این یشت وجود دارد بازگو کنیم. تاریخ تألیف زمیاد یشت مانند بقیه قسمت‌های یشتها به درستی معلوم نیست ولی بر حسب اشکالات دستوری که در آن یافت می شود نشان دهنده ناآشنا بودن سراینده آن با دستور اوستایی می باشد. و به همین دلیل آن را می توان در حدود قرن ششم قبل از میلاد تاریخگذاری کرد. البته این به آن معنی نیست که موضوعات آن نیز متأخر می باشد، بلکه نحوه بازگویی آن که در ترکیبی که داریم به دوره دو قرن قبل از حکومت هخامنشیان تا زمان حکومت آنها می رسد. از لحاظ ساختار این یشت مانند یشت‌های دیگر، قسمت‌های تکراری زیادی در میان بندهای مختلف متن دارد که در آخرین ترجمه

و به انگلیسی:

M. Dresden, "Survey of the History of Iranian Studies," *Handbuch der Orientalistik*, Leiden/Köln, E. J. Brill, 1968, pp. 171 - 173. *Iranistik*,

۱- مکتوبی به آقای پورداد در باب ترجمه جلد اول یشتها به فارسی در بیست مقاله قزوینی، به تصحیح عباس اقبال، جلد دوم، تهران، ۱۳۶۳، ص ۳۳۵.

۲- اوستا، کهن ترین سرودها و فتنه‌های ایرانی، گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه، ۴ جلد، انتشارات مروارید، ۱۳۷۰.

- ۲۶ داستان هوشنگ
- ۲۷ تکرار بند ۹
- ۲۸-۲۹ داستان تهمورث
- ۳۰ تکرار بند ۹
- ۳۱-۳۸ داستان جمشید
- ۳۹-۴۴ داستان گرشاسب
- ۴۵ تکرار بند ۹
- ۴۶-۵۴ سعی بیهوده دشمنان ایران برای دست یابی به فرّ
- ۵۵ تکرار بند ۹
- ۵۶-۶۴ سعی افراسیاب برای دستیابی به فرّ
- ۶۵ تکرار بند ۹
- ۶۶-۶۹ معمل اقامت فرّ و خاصه آن برای ایرانیان
- ۷۰ تکرار بند ۹
- ۷۱-۷۲ نام کیانیان
- ۷۳ تکرار بند ۹
- ۷۴-۷۷ داستان کیخسرو
- ۷۸ تکرار بند ۹
- ۷۹-۸۲ داستان زرتشت
- ۸۳ تکرار بند ۹
- ۸۴-۸۷ داستان گشتاسب
- ۸۸ تکرار بند ۹
- ۸۹ سوشیانت
- ۹۰ تکرار بند ۱۲-۱۳
- ۹۱ تکرار بند ۹
- ۹۲-۹۵ داستان استوت ارت و گرز دشمن کش
- ۹۶ دعای پایانی

با این نگاه به ساختار زمیاد پشت می توان دید که تکرار بند ۹ - یعنی ستایش فرّ - بعنوان تقسیم کننده روند داستان کلی انجام داده شده و هر بخش داستان به صورت فرمولی توسط بند ۹ کنار هم گذاشته شده. اینگونه تقسیم بندی را می توان در قسمتهایی از اوستا مشاهده کرد و با

مطالعه آنها می توان نگاهمی به افکار شاعر و منظور داستانهای منظوم باستانی کرد (سازمان ۹۲). اکنون می توان نگاهمی به ترجمه های جدید زمیاد پشت کرد که بیش از هر پیشیت دیگر ترجمه شده. دلیل توجه دوباره به یشتها پیدایش نسخه های جدید خطی در سال ۱۹۹۱ دو هستند می باشد. این نسخه ها مشکلات متعددی را بر طرف می کنند به خصوص با استفاده از نسخه خطی F1.^۲

پیرانت، کایان یاس، ۱۹۹۱، ص ۱۶-۱۷

پیرانت، کایان یاس، ۱۹۹۱، ص ۱۶-۱۷

پیرانت، کایان یاس، ۱۹۹۱، ص ۱۶-۱۷

۱) ترجمه Pirart (فرانسوی)

در سال ۱۹۹۲ پیرارت استاد زبان یونانی کورنت و هیئت مدیره انجمن ایرانی زبان شناسی چینجالی ترجمه ای به فرانسوی از زمیاد پشت ارائه داد.^۳ در این ترجمه هشت بند اول کنار گذاشته شد و هر بند آوانویسی و ترجمه شده و درباره هر کدام از کلمات توضیحات کوتاهی داده شده. آنچه این مطالعه را جالب می کند اینست که برای اولین بار کاویان یا کیانیان را یک گروه شاعران عهد و ایرانی پنداشته که این سرودها به یاد آنها سروده شده. پیرارت در پستاند شهرت ملی پیشدادیان و کیانیان را یک سهل انگاری می پندارد که توسط موبدان زرتشتی انجام گرفته و حقیقت تاریخی نداشته. با این برخورد به خصوص، می توان حدس زد که در ترجمه آن آوانویسی گذاشته و فرمانروایی پیشدادیان و کیانیان فقط در قلمرو مذهب نشان داده شده.^۴

پیرانت، کایان یاس، ۱۹۹۱، ص ۱۶-۱۷

پیرانت، کایان یاس، ۱۹۹۱، ص ۱۶-۱۷

پیرانت، کایان یاس، ۱۹۹۱، ص ۱۶-۱۷

۲) ترجمه هینتزه (به آلمانی)

در سال ۱۹۹۴ هینتزه Hintze ترجمه ای بهتر و کاملتر از تمام زمیاد پشت به زبان آلمانی به رشته تحریر در آورد. این ترجمه و تحقیق از ۵۰۰ صفحه زمیاد پشت بهترین کیاری است که درباره یشتها تا کنون انجام شده. هینتزه که یک متخصص زبانهای هندو اروپایی است با توجه

پیرانت، کایان یاس، ۱۹۹۱، ص ۱۶-۱۷

۱- A. Hinize, "Compositional Techniques in the Yashts of the Younger Avesta" in *Proceedings of the Second European Conference of Iranian Studies*, Rome, 1991.

۲- K. Jamasp Asa, *The Avesta Codex F1: Facsimile Edition with an Introduction*, Wiesbaden, 1991.

۳- E. Pirart, *Kayan Yasn: L'origine avestique des dynasties mythiques d'iran*, Editorial AUSA, Barcelona, 1991.

۴- T. Daryaei, *E. Pirart, Kayan Yasn, in Iranian Studies*, vol. 30, 1997, pp. 234-236.

به خصوص به ساختار، زبان و فرهنگ زمیاد یشت تقریباً تمام مشکلات این یشت را بر طرف نموده است.^۱ اگر بتوان اشکالی به این تحقیق عالی گرفت این است که کمتر به مسائل اساطیری و شخصیت‌های گوناگون در روایت ملی ایران پرداخته و بیشتر توجه به کلمات و دستور اوستا کرده است.

۳) ترجمه هومباخ (به انگلیسی)

در سال ۱۹۹۸ هومباخ Humbach همراه یک محقق پارسی به نام ایچاپوریا Ichaporia زمیاد یشت را به انگلیسی ترجمه کردند. اتکای آنها بر سنت زرتشتی و نگاه به روایت ملی ایران و متون پهلوی و پازند می‌باشد.^۲

همانطور که گفته شد هر سه ترجمه با یکدیگر متفاوت هستند. پیرارت از دید یک هند و ایران‌شناس اتکا به زبان و ادبیات سانسکریت برای شناخت زمیاد یشت کرده. هینتز که یک هند و اروپایی‌شناس است بر حسب اتکا به مطالعه زبانها و دستور زبان در سنت هند و اروپایی زمیاد یشت را ترجمه کرده. ترجمه هومباخ و ایچاپوریا اتکا بر سنت زرتشتی و زبانهای ایرانی و روایت ملی دارد و مسائل دیگری را به میان کشیده‌اند. هر یک از این نوشته‌ها قسمتهای مختلفی از مشکلات زمیاد یشت را مورد مطالعه قرار داده و با نگاهی متفاوت سعی در بازشناخت این متن شده است.

در ایران سنت اوستاشناسی هنوز جوان می‌باشد. پس از پوردادود کارهای بسیار کمی انجام شده و مطالعه اوستاشناسی تحولی پیدا نکرده. به زبان فارسی هنوز ترجمه‌ای درست بر حسب قوانین زبان‌شناسی و با استفاده از تمام تحقیقات جدید از زمیاد یشتها انجام نشده. با توجه به مطالعاتی که انجام شده است می‌توان مقداری ترجمه دستخواه را بهتر کرد. در اینجا چندی از نکات را مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

در بند ۲۲ *išti* معنی «قدرت، انرژی» می‌دهد، دستخواه دارای *saoka* حواری، التهاب، و دستخواه «بود». همینطور *fsaonišca vaçBāca* به معنی گله گاوان کوچک و گله گاوان بزرگ می‌باشد، دستخواه «فراوانی و گله».

بند ۴۰: *xšuaepaiia vaenaia barəšna* به معنی «بالای دم، بینی و پشت» و دستخواه «زهر

A. Hintze, Der Zamyad - Yasht. Edition, Übersetzung, Kommentar, Dr. Ludwig - ۱ Reichert Verlag. Wiesbaden, 1994.

H. Humbach and P. R. Ichaporia, Zamyad Yasht, Yashy 19 of the YoungerAvesta, - ۲ Text, Translation, Commentary, Harrassowitz Verlag, Wiesbaden, 1998.

زرد گونه‌اش؟

بند ۴۱: as.pairika علاقمند بسیار به پریان» و دوستخواه «پری دوست».

بند ۴۲ اکنون کاملاً قابل ترجمه است: (گرشاسب) که ارزشمن که دارنده دفاع دلیرانه را کشت، (آن) دلیر، محبوب و مشهور، حیل‌گر، دنباله‌رو رله کج، هوشیار، محرمانه رونده، همراه برنده چیزهای قیمتی، گرشاسب او (ارزشمن) را به کنار گذاشته آن گرز را از او گرفت... در صورتی که دوستخواه می‌گوید «چندین واژه خراب شده و معنی درستی از آنها بر نمی‌آید».

بند ۴۳: apərənāiiu ahmi nōit pərənāiiu «ابرنام، برنا نشده‌ام». دوستخواه: «من هنوز نا ابرنام».

در بسند ۵۷، ۶۰ و ۶۳ دشنامی است که افراسیاب می‌دهد: ive live yaona ahmāi دوستخواه آن را ترجمه نکرده. آن را می‌توان «این سعی من به بدی گذشت» ترجمه کرد.^۱

بند ۶۹: aotəm uruuāxrəm «سرد و خیس». دوستخواه «سرما و گرما» آورده، در صورتی که در بسنا ۹.۵ noit aotəm mjha nōit garəməm «نه گرما بود و نه سرما» به این صورت آمده uruuāxrəm شکل معیوب صفت - uruuāvra می‌باشد.

بند ۸۲ لازم به ترجمه دوباره دارد؛

بند ۹۵: naed. cit mivo vaoxvarjho هرگز سخن دروغ بر زبان نیاورده‌اند. aonarjho شکل معیوب vaoxvarjho می‌باشد.^۲ و دوستخواه آورده: «هرگز سخن دروغ بر زبان نیاورند». دنباله آن نیز aešamām xvəpaivia hizuo «بخاطر قوه خودداری زبان ترجمه نشده!»

همانطور که ذکر شد این مسائل فقط چند نکته درباره زمیاد یشت بود که امید است باعث ترجمه جدید و درستی شود.

تا آنجایی که من اطلاع دارم به غیر از کار خوب راشد محصل بر هوم یشت کار محققانه دیگری انجام نشده. به جای توجه به کیفیت و دقت، مترجمان سعی در ترجمه‌های کلی کرده‌اند. این مسأله بسیار مهم است. چون اگر ما و ملتمان بخواهیم تاریخ و فرهنگ خود را بشناسیم باید تمام اسناد ملی خود را به زبان فارسی در دست داشته باشیم، به خصوص ترجمه درست متون اوستایی و پهلوی.

۱- A. Panino, «A daevic speech (Yt. 19. 57, 60, 63)», *Proceeding of The Third European Conference of Iranian Studies*, Part1. Dr Reichert Ludwig » Verlag, Wiesbaden, 1988, PP. 77 - 78.

۲- P. O. Skjaervo, "Avestica I: A Perfect participle: vaoxvarjnh", *Journal of Oriental Society*, vol. 117, 1997, pp. 145 - 147." the American